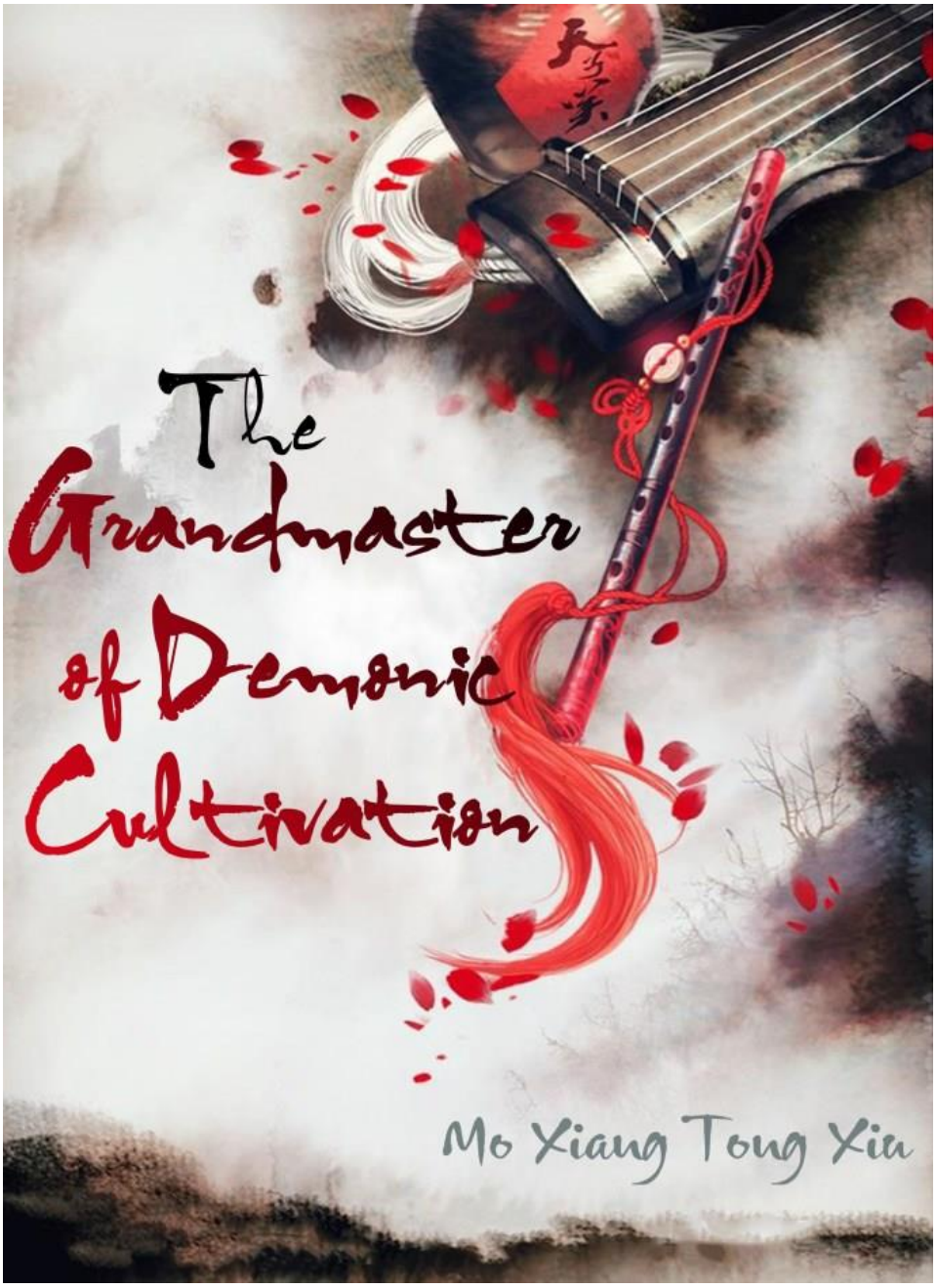

استاد تعالیم شیطانی

مقدمه

مترجم دختری با ماسک شیشه ای

سایت myanimes.ir

myAnimes@

myAnimess@

myMangas@

«خبرای خوب،وی وو شیان مرده!»

در عرض کمتر از یک روز از محاصره تپه های لوانژانگ، این خبر چون بالهای فراخ پرندگان و با سرعتی تیزتر از پاهای جنگاوران در دنیای تهذیب گران پیچید.

برای مدتها،بیشتر قبایل برجسته تهذیبگر همه درباره آن محاصره عظیمی حرف میزدند که توسط چهار قبیله بزرگ و صدها قبیله کوچک انجام شده بود.

«یعنی رئیس ییلینگ مرده؟کی تونسته بکشدش؟»

«بنظرت کی غیر از همرزمش،جیانگ چنگ؟خودش کار خویشاوند نابکارش رو تموم کرد.جیانگ چنگ چهار قبیله یونمنگ جیانگ،لانلینگ جین،گوسو لان و چینگه نیه رو برای نابودی اون توی تپه های لوانژانگ رهبری کرد.»

«باید بگم از شرش خلاص شدیم!»

«واقعا خلاص شدیم!بالاخره اون شیطان رو از بین بردیم!»

«اگر بخاطر قبیله یونمنگ جیان نبود که به فرزند خواندگی قبولش کردن و بهش آموزش دادن مجبور میشد عین یه گدا توی خیابون ها زندگی کنه.اون وقت عین بقیه بدبخت بیچاره ها تو خیابونا عین سگ کتک میخورد.رئیس قبیله جیانگ اونو عین بچه خودش بزرگ کرد.ولی اون چی؟نابودشون کرد!شد دشمن دنیای تهذیبگر ها،باعث شرم خاندان جیانگ شد.حتی نزدیک بود این خاندان کاملا منقرض بشه.اون مثال بارز آدمیه که نمک خورد و نمکدون شکست.»

«جیانگ چنگ زیادی گذاشت زنده بمونه اگر من جای اون بودم همون اول که طردش کردن فقط بهش یه ضربه شمشیر نمیزدم. بلکه از شر خودش و همه شاگردهایی که مثل اون بودن خلاص میشدم تا دیگه سعی نکنه از این کارهای وحشتناک بکنه.مگه مهمه که اون دوست دوران بچگیش بوده و باهاش بزرگ شده؟!»

«البته من شنیدم،درسته که جیانگ چنگ ارتش اصلی رو رهبری میکرده ولی ضربه آخر رو اون به وی وو شیان نزده!بلکه چون وی وو شیان راه تعالیم شیطانی رو پیمود قدرتش بسمت خودش برگشت و هزار تیکه شد.»

«هاهاهاها...این کارماست!اون سربازهای روحی که ایجاد کرده بود عین سگهای وحشی هر کسی رو که سر راهشون بود گاز میگرفتن و میکشتن.اون مرده ها تا آخرین لحظات بهش خدمت میکردند.»

«ولی اگر بخاطر نقشه جیانگ چنگ نبود که روی نقطه ضعف وی وو شیان دست گذاشت و اون تپه ها رو محاصره کرد.ممکن بود همه چیز خراب بشه!آیا شما مردم یادتون هست که اون چه چیزهایی درست کرده بود؟نکنه اون روزی که سه هزار نفر از تعلیم دیده ها نیست و نابود شدند رو فراموش کردید؟»

«من شنیدم از سه هزار تا بیشتر بودند تقریبا پنج هزار تعلیم دیده بودن!»

«مشخصه که اون عقلش رو از دست داده بود!»

«باز هم خوبه که اون قبل از مرگ سلاح مخوفش رو از بین برد.چون اگر اون سلاح توی این دنیا باقی میموند به بقیه انسان ها آسیب میزد و بار گناهانش رو سنگین تر میکرد.»

«اوه خب...میدونید زمان قدیم وی وو شیان تهذیبگر برجسته ای بود که از یه قبیله با فرهنگ اومد و توی سن کم به موفقیت های زیادی رسید.هنوز هم موندم که چطور کارش به اینجا کشید؟!»

«این موضوع ثابت میکنه که باید همه در راه درست به تعلیم و تهذیب بپردازند.انجام تعالیم نادرست شاید فقط برای مدت کوتاهی برای فرد مفید باشد ولی ببینید،آخرش چه شد؟حتی اثری از جنازه اش هم پیدا نشده!»

«تمام اینها بخاطر شیوه تهذیبگری اون نبود.وی وو شیان شخصیت پلیدی داشت.مزد رفتارش رو گرفت.فرقی نداره،هر چی بکاری همون رو هم درو میکنی!»

پس از مرگ وی وو شیان،همه جا بحث این موضوع بود.حرف تمام مردم شبیه به هم بود و هر کسی برای خودش نظراتی ارائه میکرد.

هرچند همه میدانستند یک جای کار میلنگد و بخشی از این داستان از دید تمام مردم پنهان مانده ولی هیچ کسی نمیتوانست روح وی وو شیان را احضار کند و این به معنای ناپدید شدن روح او بود.

برخی میگفتند حتما روحش توسط آن میلیون ها روحی که وی برقص درآورده بود درهم پاره شده و برخی اعتقاد داشتند که او فرار کرده است.

هرچند همه ترجیح میدادند فرض اول درست باشد.اگرچه هیچ کسی در این حقیقت تردید نداشت که رئیس ییلینگ قدرت جا به جایی کوه ها و تهی کردن دریاها را داشته و اگر فرض دوم بواقعیت می پیوست حتما روحش دوباره به جسمش باز میگشت و از نو احیا میشد و اگر آن روز می رسید آنوقت دنیای تهذیبگران و حتی تمام سرزمین ها با اهریمنی دیوانه که برای انتقام خشمش زبانه میکشد روبرو میشدند که آنان را در آشوب و نا امیدی غرق میکرد.

قبایل مختلف حدود صدو بیست سنگ غول آسا در بالای تپه های لوانژانگ قرار دادند،مراسم های احضار روح پیاپی براه انداختند. همه گوش بزنگ بودند و اگر اتفاقی عجیب در جایی از جهان رخ میداد بجستجو رفته و آن را بررسی می کردند.

در سال اول،هیچ چیزی رخ نداد.

در سال دوم،چیزی رخ نداد.

در سال سوم چیزی رخ نداد.....

در سیزدهمین سال هم اتفاقی نیفتاد.

مردم آرام آرام به این باور رسیدند که رئیس ییلینگ نابود شده و برای همیشه رفته است.

با خود میگفتند حتی اگر می توانست دنیا را زیر و رو کند این بار دیگر زمان نابودی خودش شده هیچ کسی برای ابد در این دنیا زنده نمیماند.

افسانه ها فقط افسانه هستند.